

ابهام در شق القمر

محمدیچی روحانی



یکی از مسائلی که در زمان کنونی بسیار مورد توجه قرار گرفته، مساله بازنگری عقلانی در خصوص مفاهیم و معارف ادیان گوناگون مخصوصاً اسلام است. در دوران معاصر و به‌ویژه در سال‌های اخیر، فضایی به وجود آمده که همه افراد و به‌خصوص نسل جوان اصرار دارند نگاهی دوباره به تفکرات و مبانی دینی خود بیندازند و جزئیات این مبانی و معارف را از صافی عقل و علم بگذرانند. اما در مقابل، بسیاری از افراد و مخصوصاً دین‌داران در مورد این نوع رفتار، موضعی منفی و انکارگونه داشته و این رفتارها را ناشی از تهاجم فرهنگی و گرایش‌های

۱. از نظر عقلی تحقق چنین واقعه‌ای ناممکن و نامعقول است. زیرا ماه کره‌ای با قطر چند هزار کیلومتر است و دو نیم شدن آن نیازمند انفجاری عظیم است که تحقق این انفجار بزرگ هیچ‌گاه به ترمیم و بازگشت ماه به حالت عادی نمی‌انجامد؛ به علاوه چرا هیچ اثری از این دو نیم شدن در سطح ماه نیست.

در مورد صحت و سقم این واقعه تردیدهای مختلفی از جانب مخالفان اسلام مطرح شده است. تا جایی که این ادعا را دلیلی بر نادرستی باورهای مسلمانان و آیات قرآن دانسته‌اند. این تردیدها در چند بخش خلاصه می‌شود:

تردیدها و اشکالات



دین‌گريزانه و تساهل‌های دینی نسل جدید می‌دانند. در حالی که این امر نه تنها منفی و نامطلوب نیست بلکه، محاسن و نتایج بسیار خوب و مطلوبی نیز دارد. به شرطی که از این موقعیت به درستی و در مسیر صحیح حقیقت‌جویی بهره‌برداری شود.

در واقع این احساس شک و تردید و تلاش برای بازخوانی دوباره همه عقاید سنتی و خانوادگی فارغ از این که ناشی از چه علل و عواملی بوده، امری ارزشمند است که می‌تواند به رسیدن به ایمانی واقعی و عمیق و عاقلانه منتهی گردد و به‌علاوه این تلاش و حقیقت‌جویی منصفانه ضرورتی است که با رسیدن به سن بلوغ فکری و جسمی بر هر فردی به حکم عقل و دین لازم است و نباید نگاهی منفی به آن داشت. بلکه دین‌داری مقلدانه و بی‌تحقیق و تدبیر که معمولاً بسیار آسیب‌پذیر است، در زمره دین‌داری‌های غیر مطلوب محسوب می‌شود.

البته نباید از یاد برد که این شک و تردید به شرطی خوب و مطلوب است که به درازا نینجامد و به معضلی ذهنی و دردی مزمن تبدیل نشود. به قول شهید مطهری، شک پل خوبی است اما منزل خوبی نیست و نباید در آن توقف نمود؛ بلکه باید تلاش کرد به کمک این پل از تردید و شک و ابهام هجرت کرد و به سرمنزل ایمان و باور و عقیده‌ای محکم رسید.

با این مقدمه نسبتاً طولانی به یکی از موضوعات مورد توجه که اخیراً توجه ویژه‌ای هم در برخی سایت‌ها و منابع اسلام‌ستیز به آن می‌شود اشاره می‌کنیم

* راستی‌آزمایی معجزات:

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نسل جدید رسیدن به حقانیت دین اسلام در برابر دیگر ادیان است و در این مسیر مهم‌ترین، بلکه تنها راهکار برای ما توجه به معجزات انبیاء است.

البته از آن‌جا که معجزات پیامبران محدود و مخصوص به زمان‌های خاص خود آن بزرگواران بوده، و در اکثر موارد هیچ اثری از آن باقی نمانده، از این رو نمی‌توان آن کرامات و معجزات را از نظر علمی ارزیابی کرد. در این میان تنها قرآن به عنوان معجزه‌ای جاوید و ابدی است که هم‌اکنون در دسترس ماست و می‌توان در خصوص آن به بحث و بررسی نشست و اعجاز یا عدم اعجاز آن را دریافت.

اما در خصوص سایر معجزات انبیاء چون تنها منبع مورد توجه و قابل مراجعه، منابع تاریخی و متون درون دینی ادیان است که به این موارد پرداخته و جزئیات آن را برای ما بیان نموده است، می‌توان با بررسی تاریخی و متون دینی به درستی آن پی‌برد. به‌عنوان مثال در منابع دینی از طوفان نوح (علیه السلام) و جریان ساختن کشتی توسط آن حضرت نام برده شده است. حال اگر بتوان از طریق شواهد باستان‌شناسی به جزئیات این داستان و امکان تحقق این ماجرا از منظر زمین‌شناسی یا دست‌یابی به بقایای این کشتی و دیگر جزئیات آن دست یافت، تا حد زیادی حقانیت این پیامبر و صحت ادعای تحقق این معجزه برای ما روشن می‌شود.

* شق القمر؛ افسانه یا واقعیت:

یکی از این موارد قابل توجه که در زمره معجزات پیامبر اسلام به حساب می‌آید ماجرای شق القمر یا همان دو نیم شدن ماه توسط آن حضرت است. اهمیت این ماجرا از آن جهت است که در اصل این واقعه تردید چندانی وجود ندارد و اکثر دانشمندان اسلامی بر تحقق این معجزه صحه گذاشته و آیه اول سوره قمر «اَفْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ؛ قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت» را نیز اشاره به همین ماجرا دانسته‌اند.

اکثر مفسران در خصوص این داستان نوشته‌اند که مشرکان مکه اعتقاد داشتند که کارهای پیامبر اگر سحر باشد در آسمان‌ها اثر نمی‌کند - چون تصورشان آن بود که سحر تنها در زمین و زمینیان اثر می‌گذارد - به همین خاطر نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمدند و گفتند: اگر راست می‌گویی و تو پیامبر خدایی ماه را برای ما دو نیم کن! حضرت به آن‌ها فرمود: اگر این کار را بکنم ایمان می‌آورید؟

و چون جواب‌شان مثبت بود، آن شب که شب چهاردهم ماه بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله) از پیشگاه پروردگار تقاضا کرد آنچه را خواسته‌اند به ایشان عنایت فرماید. ناگهان ماه دو نیم شد.

مشرکان گفتند: اگر مسافرین شام و یمن آمدند و گفتند این واقعه را ما در این شب مشاهده کردیم ما ایمان می‌آوریم اما با این که این مسافرین آمده و به مشاهده این واقعه خبر دادند باز هم مشرکان مکه ایمان نیاوردند.^۱

۲. تنها در صورتی می‌توان دو نیم شدن ماه را از روی زمین دید که دو تکه آن کیلومترها از هم فاصله بگیرند و این امر مستلزم تغییرات شدید در جاذبه ماه بر روی زمین و دریاهاست و در این صورت باید جذر و مدی شدید در دریاها به وجود می‌آمد و سیلی به راه می‌افتاد که نظم طبیعی و عادی زمین را مختل نماید.

۳. دو نیم شدن ماه، آن هم با این وسعت، مستلزم تغییر جرم ماه و همچنین به هم خوردن مدار آن و خروج این قمر از مدار طبیعی خود و در نتیجه تغییر محاسبات نجومی و کسوف‌ها و خسوف‌هاست در حالی که می‌بینیم تقویم‌های نجومی چند هزار ساله بشر مانند تقویم نجومی اقوام «مایا» که سال‌ها پیش از این واقعه نوشته شده و تا زمان کنونی همه کسوف‌ها و خسوف‌ها را محاسبه نموده است به درستی به تحقق پیوسته و این نشان می‌دهد که هیچ تغییری در ساختار مداری ماه حاصل نشده است.

۴. مهم‌تر از همه آن که چگونه می‌توان تحقق چنین حادثه عجیب و غیر عادی را معقول دانست؟! در حالی که در هیچ تاریخ مدون بشری و منابع نجومی به آن اشاره نشده است. گویا تنها عده خاصی در حجاز این حادثه مهم را دیده‌اند و هیچ انسان دیگری از آن مطلع نشده است. به عبارت روشن‌تر اگر این عمل نوعی چشم‌بندی و سحر بوده و واقعیت خارجی نداشته؛ معجزه نیست! اما اگر معجزه است چرا هیچ قوم و قبیله و نژاد و گروهی از آن مطلع نشده‌اند؟!